

مشاهده از نوع مشارکتی participant observation

سعید واحدی فرد

ابزار نظرات اولیه‌ی خود را بازبینی می‌کند، فرضیه‌های موقت را مورد آزمون قرار می‌دهد، مهم‌ترین جنبه‌ی مثبت مشاهده این است که به طور مستقیم پدیده را به بررسی می‌نهد، این امکان را فراهم می‌سازد که رفتار آن‌طور که واقع می‌شود، مشاهده شود. در این حال محقق از افراد نمی‌پرسد در این زمینه‌ی خاص چگونه عمل می‌کنند، زیرا او آنان را در حین گفت‌وگو یا عمل می‌بیند. این امر خود موجبات پیدایش داده‌های مستقیمی را فراهم می‌سازد که توسط عواملی که معمولاً و با استفاده از دیگر شیوه‌های تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرند، آلوده نمی‌شوند. در تحقیق کیفی، روش‌های اصلی که برای جمع‌آوری اطلاعات به کار می‌روند، عبارتند از مشارکت در تحقیق، مشاهده‌ی مستقیم، مصاحبه‌ی عمیق، بررسی اسناد و مدارک. این روش‌ها اساس و بنای تحقیق را شکل می‌دهند و روش‌های دیگر که حالت ویژه دارند، به عنوان روش‌های تکمیلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در تمام تحقیقات کیفی، مشاهده به عنوان یک روش اصلی، اصولی، زیربنایی و سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید. پژوهشگر از طریق مشاهده روابط بسیار پیچیده را در زمینه‌ی اجتماعی و واقعی کشف می‌کند. به تدریج که در تحقیق پیشرفت می‌کنیم، مشاهده بیشتر جنبه‌ی سیستماتیک (منظم و با قاعده) به خود می‌گیرد (نبوی، ۱۳۷۱: ۹۱). مشاهده مستلزم ثبت رویدادها، رفتارها و موضوعاتی است که در محیط اجتماعی و مکان و یا محل مورد تحقیق وجود دارد.

البته مشاهده به دو صورت مشارکتی و غیر مشارکتی تقسیم می‌گردد (در ادامه انواع مشاهده توضیح داده خواهد شد) که تأکید ما در اینجا بر مشاهده‌ی مشارکتی است. مشاهده‌ی مشارکتی ایجاب می‌کند که پژوهشگر در جامعه‌ی مورد مطالعه مشارکت کند. مشارکت یا دخالت

شرایط و ضرورت‌های ظهور روش مورد نظر: «به طور کلی هر علمی با مشاهده و ملاحظه شروع می‌شود و یک مشاهده‌ی ساده اولین قدم هر علم و هر مبحث علمی است» (نبوی، ۱۳۷۱: ۹۰). مشاهده از مهم‌ترین، طبیعی‌ترین و پرکاربردترین شیوه‌ها و ابزار تحقیق است که در همه‌ی دانش‌ها جای دارد. مشاهده را به حق می‌توان روش کلاسیک تحقیق علمی دانست. معرفت زیست‌شناسان، فیزیک‌دانان، علمای علوم نجوم و دیگر علوم طبیعی بیشتر از راه مشاهده‌ی منظم در پدیده‌های محیط طبیعی اطرافشان حاصل شده است تا در نتیجه‌ی آزمایشات و آزمایشگاه‌ها. ظاهراً کاربرد نسبتاً کم روش‌های مشاهده‌ای توسط علمای اجتماعی شگفت‌آور است؛ به ویژه هنگامی که گفته می‌شود آنان به وسیله‌ی موضوع مورد مطالعه احاطه می‌شوند و فقط باید چشم باز کنند و زنان و مردان اطراف خود، نهادها و جوامعی که انتخاب کرده‌اند را مشاهده کنند. ولی باید توجه داشت که روش مشاهده به عنوان وسیله‌ی جهت‌بینی کلی، مطمئناً در علوم اجتماعی نیز در حد سایر علوم کاربرد دارد. «دانش جدید اجتماعی بر پایه‌ی مشاهده استوار است، دانشمندان سیاسی در بین پدیده‌های دیگر رفتار سیاست‌مردان را مشاهده می‌کنند، انسان‌شناسان به مشاهده‌ی جوامع ساده و کوچک دست می‌زنند، روانشناسان اجتماعی به مشاهده‌ی رفتار انسان‌ها در گروه‌های کوچک می‌پردازند. به تعبیر وب تمامی تحقیقات اجتماعی با مشاهده آغاز می‌شود و با آن نیز پایان می‌پذیرد؛ به بیان دیگر به درستی باید گفت مشاهده جزئی اجتناب‌ناپذیر از هر مطالعه در باب هر پدیده‌ی اجتماعی می‌باشد. مشاهده، امری مستمر است و از این مشاهده است که محقق به نکته‌های بسیاری می‌رسد، اندیشه‌اش روشنی می‌یابد، همچنان که کارش دقت و صراحت می‌پذیرد. محقق با استفاده از این



بود. در سال‌های ۱۹۸۰، بحث‌های جدی مطرح شد در مورد میزان مشارکت محقق در محیط تحقیق و ضرورت بکارگیری روش‌های جدید مشاهده مانند عکس‌ها و فیلم به منظور ثبت بهتر وقایع و کمتر کردن نقش محقق در محیط تحقیق. به هرحال امروزه این شیوه کاربرد بسیار در پژوهش اجتماعی اعم از جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دارد و کمتر پژوهشگری است که به اهمیت این شیوه آگاه نباشد.

تعریف

در تعریف دقیق کلمه‌ی مشاهده از چشم، بیش از گوش و زبان استفاده می‌شود. فرهنگ کوچک آکسفورد مشاهده را به صورت نگاه کردن صحیح و یادداشت کردن پدیده‌ها آن‌طور که در طبیعت و روابط علت و معلولی یا روابط متقابل اتفاق می‌افتد، تعریف کرده است (ایزدی، ۱۳۷۴: ۲۰۸). در علوم اجتماعی این واژه غالباً در معنای بسیار وسیع‌تری بکار می‌رود. مثلاً مشاهده‌گر با شرکت فعال در زندگی جامعه‌ی مورد بررسی، به عنوان عضوی از آن در می‌آید و در کار و زندگی روزمره‌ی مردم آن جامعه شرکت کرده و آنچه در پیرامونش می‌گذرد به معنای دقیق، مشاهده و یافته‌ها را با گفت‌وگوهای مصاحبه‌ها و مطالعه‌ی پرونده‌ها و اسناد موجود، تقویت می‌کند. وجه تمایز برجسته‌ی مشاهده در این معنای وسیع این است که تحصیل اطلاعات مورد نیاز بیشتر از طریق مشاهده‌ی مستقیم است (تا از گزارش افراد دیگر). مشاهده‌گر در مطالعه‌ی شخص مطالعه شونده، بیشتر، عملکرد او را مورد توجه قرار می‌دهد تا آنچه را که بیان می‌کند.

قابلیت‌ها و کاربردها

مشاهده‌ی مشارکتی مثل الگوی سنتی تحقیق ناب، الگوی نخبه اندیشانه‌ای از روابط تحقیق است. در مشاهده‌ی مشارکتی بعضی از افراد سازمان تحت مطالعه در گردآوری اطلاعات و آراء به منظور هدایت عملیات آتی مشارکت فعالانه‌ای دارند. (فوت وایت، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۷) مشاهده‌ی مشارکتی در واقع شکلی از پژوهش عملی است که اجرا کننده‌ی آن، هم سوژه‌ی پژوهش است و هم کننده به امر پژوهش. مشاهده‌ی مشارکتی مبتنی است بر گزاره‌ی «کرت لوین» که مدعی است استنتاج‌های عملی درباره‌ی رفتار آدمی، احتمالاً زمانی معتبر و قابل اجراست که انسان مورد بررسی خود در تحقیق و آزمودن نتایج مشارکت داشته باشد. به همین جهت هدف مشاهده‌ی مشارکتی خلق فضایی است که در آن مشارکت کنندگان اطلاعات معتبر را بدهند و بگیرند، حق انتخاب آزادانه و آگاهانه داشته باشند و نسبت به نتایج بررسی انجام شده احساس تعهد درونی کنند. (همان، ۱۰۷) در این روش، مشاهده‌گر در زندگی روزمره‌ی گروه یا سازمان مورد مطالعه، شرکت جسته و رویدادهایی که برای اعضای آن اجتماع رخ می‌دهد

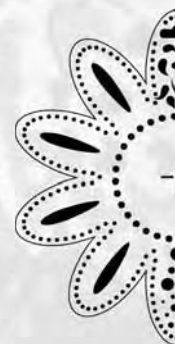
در مکان یا جامعه‌ی تحقیق این امکان را به وجود می‌آورد تا پژوهشگر واقعیت را ببیند، بشنود و تجربه کند. اگر پژوهشگر تنها به مشاهده اکتفا کند، هیچ‌گاه در صدد بر نمی‌آید تا نقش خاص در محیط تحقیق بر عهده بگیرد و تنها باید توان مشاهده‌ی رویدادها را داشته باشد، بدون آنکه در صحنه‌ی تحقیق دخالتی بکند. مشاهده‌ی مشارکتی پتانسیل بالایی در حصول شناخت در زمینه‌هایی مانند آشنایی با شخصیت افراد در گروه‌ها، مذهب، فعالیت‌های پنهانی شغلی، خرده فرهنگ‌ها و آشنایی با جوامع خاص دارد.

تاریخچه

تعیین تاریخ دقیق استفاده از این روش مشکل است. استفاده از این روش به قرن‌ها پیش از این تاریخ باز می‌گردد، «هرودوت» که گاهی او را پدر مردم‌شناسی نیز می‌خوانند، از روشی شبیه مشاهده‌ی مشارکتی برای بدست آوردن داده‌هایش استفاده می‌کرد. اصطلاح مشاهده‌ی مشارکتی اولین بار در قرن ۱۹ از سوی یک دانشمند فرانسوی قرن نوزدهم به نام «ژوزف هارژاندو» مطرح شد.

سایت معتبر «ویکی‌پدیا» از «ابوریحان بیرونی» به عنوان اولین انسان‌شناس استفاده کننده از این روش که در شبه قاره‌ی هند تحقیقاتی در زمینه‌ی زندگی مردم و مذهب داشته است، نام می‌برد. همچنین از این روش استفاده‌ی وسیعی شده توسط انسان‌شناسانی مانند «فرانک همیلتن» در قرن ۱۹ در هند و کسانی مانند «ادوارد اونس» و «پریچارد» و «مارگارت مید» در نیمه‌ی اول قرن بیستم.

مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو اولین مکتبی بود که به طور گسترده از مشاهده‌ی مشارکتی در انجام پژوهش‌های اجتماعی استفاده کرد. این مسئله تا حد زیادی تحت تأثیر حضور «رابرت پارک»، که قبلاً حرفه‌ی روزنامه‌نگاری داشت، صورت پذیرفت. وی توانست مشاهدات توأم با مشارکتش را در پژوهش‌هایش در دهه‌ی ۱۹۳۰ که اوج انجام این‌گونه پژوهش‌ها توسط پژوهشگران مکتب شیکاگو بود، وارد کند. مردم‌شناسان هنوز علاقه‌مند به پژوهش در میان مناطق دورافتاده بودند، در حالی که پژوهشگران مکتب شیکاگو متوجه انواع شیوه‌های زندگی در شهر خودشان بودند. این پژوهش‌ها معمولاً در چارچوب نظریه‌ی کنش متقابل نمادین صورت می‌گرفت و پژوهشگرها در آن بر مشاهده‌ی آدم‌ها در زیستگاه‌های طبیعی‌شان، گفت‌وشنود با آنها و گردآوری و ثبت در سرگذشت‌هایشان تأکید داشتند. تقریباً با افول مکتب شیکاگو، ستاره‌ی بخت مشاهده‌ی مشارکتی میان جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان رو به خاموشی گرایید تا اینکه در دهه‌ی ۱۹۶۰ و در پی نقدهایی که به شدت بر روش‌های صرفاً کمی وارد شد، نظرها به این روش دوباره جلب گردید. طی این مدت بین دهه‌ی ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ این روش همچنان اصلی‌ترین شیوه‌ی گردآوری داده برای مردم‌شناسان



و چگونگی رفتار آنان را زیر نظر می‌گیرد، با آنان گفتگو و تبادل نظر می‌کند تا واکنش‌ها و تفسیرهایشان را از رویدادهایی که اتفاق افتاده بشناسد (ایزدی، ۱۳۷۴: ۲۱۳-۳۱۴). زمانی که از گروهی می‌خواهیم تا در باب رفتار گذشته‌ی خود توضیح دهند، عدم یادآوری درست می‌تواند موجب بسیاری از سوگیری‌ها یا انحراف‌ها در دستاوردها گردد و حال آنکه تمامی این مسائل در کاربرد مشاهده‌ی مستقیم از بین می‌روند. (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۷۳). یکی از مطالبی که باید در این‌گونه موارد مورد توجه محقق باشد این است که عقاید خود را در اجتماع مورد مطالعه نفوذ و دخالت ندهد و اظهار نظری ننماید که موجب انحراف وضع یا موضوع تحقیق را فراهم کند. (نبوی، ۱۳۷۱: ۹۸). در این روش محقق از پندارهای پیشین که می‌توانست مانع دیدار و درک درست واقعیت باشد، فاصله می‌گیرد. محقق زندگی مردم آن اجتماع را به صورت یک کل می‌بیند و همبستگی بین اعضا، فعالیت‌ها و نهادهای آن را مطالعه می‌کند، یعنی مطالعه نوعاً انسان‌شناسی اجتماعی است. این اجتماع می‌تواند در حرکت خانوادگی کوچک یا در حرکت شهر بزرگ باشد؛ ممکن است بسته باشد مثل خانواده و ایل یا باز مانند کارخانه، شهر یا یک روستای بزرگ باشد. تفاوت عمده در اجتماع باز و بسته در این است که در دومی گاهی مشاهده‌گر می‌تواند خود را از نظرها پنهان سازد، در حالی که در اجتماع بسته این کار تقریباً غیرممکن است. در روش مشاهده‌ی مشارکتی، مشاهده‌کننده باید سعی کند خود را در موقعیتی قرار دهد تا بتواند تصویر کامل و بدون انحرافی از موضوع مورد مطالعه بدست آورد. برای نیل به این هدف، نقشی که مشاهده‌گر در اجتماع مورد مطالعه ایفا می‌کند، بسیار مهم است، نقشی که او می‌پذیرد به طبیعت و بزرگی اجتماع مورد بررسی بستگی دارد. در اجتماع بزرگتر و کمتر محدود شده، نحوه‌ی مشارکت پژوهشگر تا حد زیادی جنبه‌ی انتخابی دارد. اگر مشاهده‌گر بتواند به عنوان عضوی از آن اجتماع چنان پذیرفته شود که افراد مورد مطالعه متوجه مورد مشاهده قرار گرفتن خویش نشوند، طبیعتاً به دلیل همین عدم آگاهی، اطلاعات معتبری از رفتار و گفتار خود، ارائه خواهد داد. در اجتماعات کوچک این خطر احتمالی وجود دارد که معرفی یک فرد خارجی به ویژه هنگامی که به او نقش خاص پژوهشگری محول شود، فرآیند کارها را در این جهت که او برای مطالعه‌ی رفتار و گفتارشان در آنجا زندگی می‌کند، تغییر دهد. اگر مشاهده‌گر در اجتماع مورد نظر ناآشنا باقی بماند، خطر چنین انحرافی کاهش می‌یابد. مثلاً فرد در محیط تحقیق، خود را به کاری مشغول دارد و قصد حقیقی خود را پنهان کند. (ایزدی، ۱۳۷۱: ۲۱۴-۲۱۳) البته گرفتن جواب صحیح بستگی زیادی به چگونه معرفی کردن پژوهشگر در اجتماع مورد نظر و رابطه‌ی حسنه‌ای که با اعضای آن برقرار می‌کند دارد. پژوهشگر باید بتواند هدفش را برای افراد کلیدی آن اجتماع به نحو قابل درک و قبولی توضیح داده و علاقه‌ی وافر به آنچه که در

دست انجام دارد را نشان دهد. در مشاهده‌ی مشارکتی این خطر وجود دارد که نقش محول داده شده، مشاهده‌گر را در درک درست وضعیت محیط اطرافش دچار اشکال ساخته و در نتیجه نقطه‌نظرات انحرافی بدست آید. ایفای نقش کاملاً روشن در اجتماع مورد بررسی موجب می‌شود که درک مشاهده‌گر از وضعیت موجود به محدوده و موارد خاصی منحصر شود. او فقط به منابع وابسته به آن وظیفه تقرب خواهد داشت. دوستی او با برخی از اعضای آن اجتماع، احتمالاً بین او و سایرین فاصله ایجاد می‌کند؛ به علاوه اگر نقش محول چنان باشد که او را نسبت به آن اجتماع خیلی متعهد سازد، احتمال دارد دید او سایه‌دار شود و از مطالبی که جدید و اساساً قابل بیان و مطالعه است، بعد از یک دوره‌ی برخورد عمیق با اجتماع مورد بررسی، به عنوان امری پیش پا افتاده تلقی کرده و از آن چشم‌پوشی کند. به همین دلیل است که در مواردی سعی می‌شود تا از مشاهده‌گران غیربومی به دلیل آنکه افراد را از دریچه تازه‌ای می‌بیند استفاده شود.

نوع رویکرد

هنگامی می‌توان از روش مشاهده استفاده کرد که پدیده‌های اجتماعی مخصوصاً در سطح جامعه‌شناسی کلان و جامعه‌شناسی میانه جای دارند و یکی از روش‌های پرکاربرد در روش تحقیق کیفی است و موضوع مورد مطالعه چنان است که برای محقق امکان دستکاری داده‌ها و امکان مصاحبه فراهم نیست. الف- خواه به نیت اینکه نمی‌تواند به آن بپردازد. ب- خواه به دلیل اینکه عملاً استفاده از روش دیگری نظیر زمانی که با مشکل زبان مواجهیم. پ- خواه از آن جهت که پاسخگو از ارائه‌ی پاسخ‌های درست به هر دلیل خودداری می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۵)

معایب و مزایا

مزایای روش مشاهده ۱- چون خود محقق در محیط اجتماعی مورد مطالعه شرکت می‌کند، حجم اطلاعاتی که به یکباره کسب می‌کند، زیاد است. ۲- چون محقق در حین بروز حوادث و وقایع به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد، لذا به این اطلاعات اعتماد بیشتری می‌توان داشت. ۳- محقق در بسیاری از موارد از طریق پرسشنامه و شیوه‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات به کشف حقایق و واقعیات قادر نیست، حال آنکه در روش مشاهده می‌تواند اطلاعات مورد نیاز را به سهولت جمع‌آوری کند. ۴- مشاهده بهترین شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات در مورد کودکان، بیماران روانی، مجروحین و امثال آنان است. ۵- در بسیاری از موارد افراد مورد مطالعه به علل مختلف (نداشتن اوقات بیکاری) مایل به همکاری با محقق نیستند؛ در این‌گونه موارد، مشاهده ساده‌ترین شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات خواهد بود. ۶- محقق می‌تواند صحت و سقم مطالب و اظهارات را تشخیص بدهد. ۷- در مواردی که سؤال



بدست آوردن اطلاعات قابل اعتماد نقصان می‌یابد. ۳- اطلاعاتی که محقق از این طریق به دست می‌آورد، غالباً از نوع کیفی است؛ تبدیل مطالب کیفی به کمی از مشکلاتی است که از اهمیت و ارزش اطلاعات کیفی جمع‌آوری شده می‌کاهد. تحقیقات محقق که اطلاعات مورد نیاز را به این طریق جمع‌آوری می‌کند، جنبه‌ی شخصی و انحصاری پیدا می‌کند. (همان، ۱۰۲-۱۰۱) مشاهده‌گر با دید شخصی ناخودآگاه پدیده‌ها را می‌بیند، برخلاف مصاحبه‌گر که داده‌ها را تفسیر و یادداشت می‌کند. بسیاری از مشکلات روش مشاهده را می‌توان با آموزش دادن صحیح مشاهده‌گر برطرف کرد. روش مشاهده برای مطالعه‌ی عقاید افراد مناسب نیست. مشکل زمانی برای مشاهده‌ی بخش‌های مختلف پدیده وجود دارد.

مراحل اجرا

در این روش لازم نیست که فقط موضوع مورد نظر مشاهده شود، بلکه باید روش پژوهش مورد علاقه‌ی محقق اجتماعی، مناسب و همچنین برای جوامع و نمونه‌هایی که او قصد مطالعه‌ی آن را دارد مقتضی، و بالاخره منطقی عینی و قابل اعتماد باشد. مشاهده‌ی میدانی سه مرحله‌ی اجرایی دارد: نخست انتخاب و تعریف مسائل، مفاهیم، علائم و مشاهدات اولیه که به توسعه‌ی افکار و اندیشه‌ی بررسی‌کننده در موارد فوق، یاری می‌رساند. سپس مرحله‌ی دوم کنترل با ارزش بودن این اندیشه‌ها است. این کار با جمع‌آوری اطلاعات بیشتر برای کنترل

کردن بی‌فایده است: مثلاً تعداد کمی از زنان خانه‌دار می‌دانند که باطری اتومبیل‌شان به وسیله‌ی الترناتور یا جنراتور شارژ می‌شود، ولی متخصص با دیدن محل تعبیه‌ی باطری به سرعت به این موضوع پی می‌برد، سؤال پرسیدن در این زمینه از زنان خانه‌دار بی‌فایده و بی‌مورد است و یا تحقیق در زمینه‌ی کودکان که سؤال پرسیدن را بی‌معنی می‌کند. ۸- در زمینه‌ی پیشگویی رفتار افراد در آینده جواب سوالات مستقیم، آشکارا، نارسا است. ۹- گاهی پرسش مخاطره‌آمیز است. ۱۰- محقق در این شیوه به فراهم آوردن موجبات همکاری افراد مورد تحقیق نیازی ندارد. (نبوی، ۱۳۷۱: ۱۰۰-۹۹)

معایب روش مشاهده: ۱- چنانچه مشاهده‌کننده به عللی نتواند خود را با محیط مطالعه هم‌رنگ سازد و وجود وی به عنوان یک محقق برای همه روشن و آشکار باشد، غالباً این اشکال پیش می‌آید که دیگر افراد از وجود وی متأثر می‌شوند و همین عامل موجب می‌گردد که رفتار و گفتار خود را کنترل نمایند؛ به همین دلیل آگاهی بر واقعیات فضایا برای محقق امری بعید و مشکل خواهد بود. ۲- محیط دید محدود است؛ کلیه‌ی اطلاعات جمع‌آوری شده محدود به همان محیط دید یا مطالعه است. چون زمان وقوع و حدوث بسیاری از وقایع اجتماعی قابل پیش‌بینی نیست، امکان این که محقق بتواند در کلیه‌ی موارد تحقیق از شیوه‌ی مشاهده استفاده کند، وجود ندارد. در پاره‌ای از موارد که مشاهده‌کننده خود را با جامعه‌ی مورد مطالعه هم‌رنگ می‌سازد، چون با محیط خو می‌گیرد، بی‌طرفی خویش را از دست می‌دهد. به این ترتیب امکان

شاخص‌های حرکتی (غیر بیانی): هر عمل، رفتار یا حرکتی که از جانب موضوع‌های مورد مشاهده بروز می‌کند، در زمره‌ی شاخص‌های حرکتی محسوب می‌گردد.

شاخص‌های زبانی: جستجوی سخن یا کلام از مهم‌ترین شاخص‌های مورد تحقیق است.

شاخص‌های فرازبان: رفتار فرازبان نظیر بلند یا آهسته سخن گفتن، قطع کردن سخن دیگران، آهنگ کلام... همگی دال بر معنا‌های ویژه‌ای است که باز از طریق مشاهده به آن می‌رسیم. (ساروخانی، ۱۳۸۵، ۱۱۸-۱۷۷). در مشاهده، مهم‌ترین مسئله این است که مشاهده بصورتی تنظیم باید که محقق بدانند از کجا کار را آغاز کند و در کجا پایان دهد. مسئله‌ی دیگر استنتاج درست از رفتار مورد مشاهده یا به تعبیر دیگر توان درست خواندن علائم رفتاری است. مسئله‌ی دیگر که به عنوان ابزار تحقیق در مشاهده مطرح است، زمان انجام مشاهده است؛ قدرت این روش در زمان استفاده از آن است، بصورتی که هرچه زمان مشاهده زیاد و مناسب باشد، امکان بدست آوردن اطلاعات بیشتر می‌شود و آخرین مسئله با تطابق عقاید و رفتار مطرح می‌شود.

انواع مشاهده

۱- مشاهده‌ی ساده یا کنترل نشده

دیدن به صورت سطحی و ابتدائی را مشاهده‌ی ساده می‌گوییم. این نوع مشاهده به صورت کاملاً آزاد و کنترل نشده انجام می‌پذیرد که خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) با شرکت مطالعه کننده در وضع اجتماعی مورد مطالعه

ب) بدون شرکت مطالعه کننده در وضع اجتماعی مورد مطالعه (مشاهده مشارکتی، آنچه ما بررسی کردیم)

بیشتر مشاهده ساده محققان، با شرکت در وضع اجتماعی مورد مطالعه صورت می‌پذیرد. البته لازم نیست که مشاهده کننده در تمامی فعالیت‌ها شرکت داشته باشد و تمام وقت خود را صرف مطالعه نماید، و به اصطلاح می‌تواند بجای آنکه تمام وقت باشد، نیمه وقت و در مدتی از اوقات بیکاری خود مشغول مطالعه و مشاهده بشود، مثل یک مبلغ مذهبی که به کار اجتماعی می‌پردازد و قسمتی از اوقات خود را صرف تحقیق می‌نماید.

یکی از مطالبی که باید در این‌گونه موارد مورد توجه محقق باشد، این است که عقاید خود را در اجتماع مورد مطالعه، نفوذ و دخالت ندهد و اظهار نظری ننماید که موجب انحراف تحقیق را فراهم آورد. همچنین حتی‌المقدور باید سعی شود که مطالعه‌شوندگان مطلع نشوند که در مورد آنها مطالعه‌ای صورت می‌گیرد.

دومین نوع مشاهده‌ی ساده، مشاهده‌ی بدون شرکت محقق در

فراوانی و توزیع پدیده‌ها، در اجتماع مورد نظر صورت می‌گیرد. مرحله‌ی سوم کار مشاهده، شامل کوششی است در جهت قرار دادن تک‌یافته‌ها در مدل نظام اجتماعی مورد مطالعه. پس از انجام کار میدانی، مرحله‌ی داده آزمایی، تجزیه و تحلیل نهایی، کنترل مدل‌ها و ساخت مجدد آنها آغاز می‌شود. پیامد طبیعی این جریان، ارائه‌ی یک تصویر جالب است. مشاهده‌گر کارش را با تفکر ناشی از مشاهده آغاز می‌کند و اندیشه‌اش را تا یافتن توان ساخت یک مدل کلی گسترش می‌دهد. نکاتی در مورد روش اجرا مشاهده:

۱- از مطالب و مشاهدات، هرچه بیشتر و جامع‌تر، یادداشت‌برداری شود.

۲- این یادداشت‌ها در کوتاه‌ترین فاصله‌ی زمانی مورد مطالعه قرار گیرد.

۳- نقاط ضعفی که در این گزارش‌ها مشاهده می‌شود، مرتفع گردد. ۴- اشتباهاتی که در نگارش مطالب و توجیه مسائل مشاهده می‌گردد، تصحیح گردد.

۵- سعی گردد که قضاوت‌ها و تفسیرهای شخصی، کاملاً از واقعیت مورد مشاهده متمایز شود، و آنچه نظرات شخصی محقق است، از آنچه مشاهده شده است، تفکیک گردد.

۶- چنانکه میسر باشد از روش‌های جدید اطلاعات مانند فیلم و عکس استفاده شود.

۷- یادداشت‌های تهیه شده قبل از خاتمه‌ی کار، به شخصی که دخالتی در تحقیق نداشته است، سپرده شود تا پس از مطالعه، نقایص کار را به محقق گوشزد کند. معمولاً چون مشاهده کننده خود در جریان وقایع بوده است، برخی مسائل را چنان بدیهی می‌پندارد که بدان اشاره نمی‌کند.

۸- حب و بغض و نکات انحرافی را در مشاهده‌ی خود بازگو کند.

۹- نقایص کار خود را تاحدی که به آنها آگاه است، شرح دهد.

۱۰- اگر شخصی یا مرجعی مانع انجام تحقیق است، آن را بازگو کند تا محققان بعدی به این نوع مشکلات و موانع آگاهی یابند.

شیوه‌های عملیاتی کردن

محقق در آغاز باید تصمیم بگیرد چه چیز را مورد مشاهده قرار می‌دهد. دقت تحقیق نیز از همین‌جا امکان‌پذیر است و یک یا چهار نوع شاخص را مطرح می‌کند: فضایی- حرکتی- زبانی- فرازبانی.

شاخص‌های فضایی: با استفاده از این شاخص دو نوع تفسیر را از یک جمع ارائه داده و با یکدیگر مقایسه می‌نمایند، که یکی با استفاده از پرسیدن از افراد تشکیل دهنده‌ی فضا و یکی دیگر با تصویر فضایی و عینی تهیه می‌شود.

عوامل تخریب این شاخص بدین قرارند: ۱- اضطرابی ۲- عادت





نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات در مشاهده، مبرهن‌ترین شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، دیدن است؛ اما می‌توان به کمک ابزارهای جایگزین مانند دوربین‌های فیلم‌برداری و... مشاهده را انجام داد که حتی دارای مزایایی از جهت کنترل تأثیر محقق بر محیط اجتماعی تحقیق می‌باشد.

عوامل مؤثر در مشاهده

منظور از عوامل مؤثر در مشاهده عبارت است از تعدادی از عواملی که در مشاهده‌ی هر محقق اثر می‌گذارد. بر محقق واجب است که این عوامل را بشناسد و بر تأثیر هر یک از آنها در مسائل تحقیق و اثرپذیری خویش از این عوامل، آگاه و هوشیار باشد. مهم‌ترین این عوامل عبارت است از:

تمایلات شخصی: درک و استنباط محقق در عواملی که مورد مشاهده قرار می‌دهد، بسته به آنکه نسبت بدان دارای نظر خاصی باشد، اعم از نظر مثبت یا منفی، متفاوت و متغیر خواهد بود. این موضوع به دو شکل تحقق می‌یابد: الف: محقق تحت تأثیر عواملی، آگاهانه بعضی مسائل را نسبت به بعضی مسائل دیگر رجحان می‌دهد یا به عبارت دیگر در مشاهده‌ی بعضی از مطالب غلو می‌نماید. ب: شعور باطن یا ناخودآگاه نسبت به بعضی از عوامل نیز موجب می‌گردد مشاهده‌ی محقق با عمق بیشتری انجام گیرد یا بالعکس گذران باشد.

زیرکی و تیزهوشی: زیرکی و تیزهوشی اشخاص، یا گوش به زنگ

محیط اجتماعی مورد مطالعه می‌باشد. منظور از این نوع مشاهده آن است که محقق، شرکت فعالانه‌ای در موضوع مورد مطالعه ندارد. در نوع قبلی، محقق خود را به صورت یکی از اعضای جامعه‌ی مورد مطالعه، در وضعی قرار می‌داد که دیگران نسبت به او احساس بیگانگی نکنند، یا به عبارت دیگر، او را از اعضای گروه خودی به شمار آورند. ولی در مشاهده‌ی بدون مشارکت محقق در محیط تحقیق، محقق صرفاً به عنوان یک ناظر، واقعه یا گروهی را مورد مشاهده قرار می‌دهد و از آنچه می‌گذرد یادداشت‌برداری می‌کند.

به طور مثال، یک محقق که مأمور مطالعه‌ی وضع خیابان می‌گردد، یا تعدادی از بیماران روانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد، ناگزیر است این شیوه را در پیش بگیرد. این روش، به اندازه‌ی قبلی دقیق نیست، ولی از نظر سرعت و مدت زمان کوتاهی که صرف آن می‌شود، در پاره‌ای از موارد بکار گرفته می‌شود.

۲) مشاهده‌ی سیستماتیک و کنترل شده

همانطور که توضیح داده شد، مشاهده‌ی ساده بیشتر برای کسب اطلاع مقدماتی و فرضیه است. مشاهده‌ی سیستماتیک که در آن هم مشاهده شنونده و هم مشاهده کننده تحت کنترل قرار می‌گیرد، در مواردی بکار می‌رود که قبلاً مقدمات مشاهده به طریقی سنجیده، پیش‌بینی شده و فراهم آمده باشد، و نیز از کلیه‌ی وسائل دقیق علمی برای ثبت و ضبط و یادداشت برداری، استفاده به عمل آمده باشد.

در محیط تحقیق و عملکرد مطلوب است. بررسی طرح و روش‌های مورد استفاده باید از نظر استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان معتبر باشد و نتایجی که باوری بر آنها وجود ندارد، نباید مورد استفاده قرار گیرند. همه‌ی تصمیم‌گیرندگان شبیه هم نیستند. برخی با مسئله عمیق برخورد می‌کنند، بعضی دیگر توجه زیادی به محاسبات گسترده‌ی آماری و کامپیوتری دارند و بعضی‌ها به بیان آماری هر قدر ناچیز، اهمیت می‌دهند. ارائه‌ی هرگونه اطلاعات جدید جمع‌آوری شده بایستی با دقت انجام گیرد تا مشخص شود که چه میزان از اطلاعات مستقیماً به حل مسئله ارتباط دارد. زمانی که استفاده‌کنندگان خود در جمع‌آوری اطلاعات دخالت دارند، اطلاعات نسبت به زمانی که توسط دیگران جمع‌آوری می‌شود، روایی بیشتر دارد. (فرشاد گوهر و بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۱)

پایایی

اعتماد به پژوهش از اعتماد به پژوهشگر ناشی می‌شود. اگر تصمیم‌گیرندگان سازمان، مدیران یا افراد جامعه به پژوهشگر اعتماد نداشته باشند، آنها تمایلی برای پذیرش قضاوت و یا صلاحیت فنی او از خود نشان نمی‌دهند. شخصیت فردی، نگرش انعطاف‌پذیر، ذهنیت باز و صبر و تحمل به هنگام خشم و اضطراب از مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهشگری است که می‌خواهد قابل اعتماد تلقی شود.

کاربست‌ها در مطالعه ارتباطی

باید این نکته را قبول کرد که بیشترین استفاده از روش مشاهده‌ی مشارکتی در مردم‌نگاری بوده است و این روش در این زمینه بیشتر جا افتاده است. نحله‌هایی چون پدیدارشناسی، روش تأویل جامعه‌شناسی تفهیمی و... به این شیوه تمسک می‌جویند. آنان در صدد ایجاد همدلی بین محقق و افراد مورد تحقیق هستند، همدلی به معنای احساس مشترک است و مستلزم آن است که فرد بتواند خود را بجای مخاطب (موضوع مورد تحقیق) قرار دهد و با شادی‌ها و آلام او آشنا شود و با درک درست همراه شود. (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۸۸) اما این امر نباید منجر به این شود که از قابلیت‌های این روش در سایر زمینه‌ها چشم‌پوشی کرد؛ به‌خصوص در زمینه‌ی ارتباطات در مشاهده‌ی نحوه‌ی مصرف رسانه (مشاهده‌ی جایگاه رسانه در خانواده و تأثیر آن بر روابط اعضای خانواده). همچنین مخاطب پژوهی (اکثراً سنجش میزان تقلید از خشونت برنامه‌های رسانه‌ها در این زمینه جای می‌گیرد) و در مواردی که عملاً امکان مصاحبه وجود ندارد (مانند گروه سنی کودکان) و تأثیر ورود رسانه‌های جدید در جوامع‌های کوچک بکر و دست نخورده و همچنین مشاهده ارتباطات در سازمان‌ها و ورود رسانه‌های جدید در سازمان‌ها (مانند تکنولوژی‌های جدید ارتباطی) کاربردهای فراوانی

بودن آنان نیز از عوامل بسیار مهمی است که در امر مشاهده اثر می‌گذارد. عوامل فرهنگی عامل بسیار مهمی است که عامل زیرکی و تیزهوشی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسته به این که محقق در چه محیطی به دنیا آمده، تربیت وی چه باشد، دوستان و معامرائش چه کسانی باشند، سن و روال زندگی اجتماعی وی چگونه باشد و به طور خلاصه از چه عوامل فرهنگی متأثر باشد، مشاهده‌اش با دیگران تفاوت پیدا می‌کند.

حدود اطلاعات و زمینه‌ی قبلی محقق: هر محقق، در پارهای از موارد تحقیق دارای اطلاعات و زمینه‌ی قبلی است. این آشنایی قبلی موجب می‌گردد که محقق در مشاهده‌اش به مراتب موفق‌تر از کسانی باشد که بدون معلومات قبلی در راه تحقیق مسئله‌ی خاصی قدم می‌گذارند. هدف تحقیق در مشاهده‌ی مشاهداتی که محقق را در راه رسیدن به هدف مطلوب خویش یاری می‌دهد به مراتب دقیق‌تر و عمیق‌تر از مشاهداتی است که در زندگی روزمره پیش می‌آید. بسته به این که هدف تحقیق چه باشد، دقت و تعمق شخص محقق نیز کاهش می‌یابد. (نبوی، ۱۳۷۰: ۹۶-۹۲)

نقش پژوهشگر

در هریک از موقعیت‌های مشاهده‌ی مشارکتی، پژوهشگر به ابزاری برای انجام مشاهدات و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیاز دارد؛ بنابراین روایی نتایج به اعتبار و موقعیت پژوهشگر و نیز به مقبولیت وی بستگی دارد و همچنین، پژوهشگر مشاهده‌ی مشارکتی، مسئول تسهیل کار در کلیه‌ی مراحل فرآیند پژوهش را به عهده دارد. پژوهشگران مشارکتی باید توانایی لازم را برای برقراری و هماهنگی چنین بحث‌های گروهی و ایجاد فضای مناسب برای ارائه‌ی نقطه‌نظرات، انتقادات و نیز جلوگیری از بروز تضادها داشته باشد.

مؤثر بودن: اصولاً پژوهشگران مشارکتی با توجه به موضوع، در ایجاد اطمینان در استفاده از نتایج و افزایش احتمال پیگیری فعالیت‌ها، نقش‌های مهمی را ایفا می‌کنند. هر پژوهشگر مشارکتی باید مسئولیت خود را در پیگیری و ترغیب استفاده‌کنندگان از یافته‌های پژوهش، مشخص نماید. (فرشاد گوهر و بیگدلی، ۱۳۸۰: ۳۸)

اعتبار: در روش مشاهده‌ی مشارکتی، نمی‌توان تعریف مطلق از مطالعه‌ی کامل یا بهترین روش داشت. آنچه پژوهشگران دقت خود را معطوف آن می‌سازند، ارائه‌ی نتایج مناسب، مشخص کردن و استفاده از روش مناسب برای یک موقعیت و زمینه‌ی خاص است. بهترین مطالعات مشارکتی، آنهایی هستند که به دلیل بیان نیازهای استفاده‌کنندگان در یک زمینه‌ی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد و اطلاعات پایا و معتبری را ارائه می‌دهند. مهم‌ترین معیار برای طراحی یک مطالعه‌ی مشارکتی و انتخاب روش‌های بکار گرفته شده، روایی و پایایی ارتباطات





می‌توان پیدا کرد.

نمونه‌ای از کاربرد این روش در ارتباطات

یکی از نمونه‌های جالب و ابتکاری در زمینه‌ی بکارگیری روش مشاهده در علم ارتباطات مربوط به کار «بکتل» بوده است. وی مشاهده را به عنوان ابزاری برای مطالعه‌ی عادات تماشا بکار برد. در این شیوه دستگاہی حرکات چشم بینندگان را ثبت می‌کند تا محقق مشاهده کند بینندگان چه مدت صفحه‌ی تلویزیون را واقعاً تماشا می‌کنند. هر چند پیام‌گیران ظاهراً چشمان خود را بر روی صفحه‌ی تلویزیون ثابت نگه می‌دارند، اما تنها نسبتی از زمان را واقعاً تماشا می‌کنند. صفحه‌ی تلویزیون، بیشتر شبیه حرکات جهشی چشم به هنگام خواندن، یعنی وقتی که چشم به جای حرکت ثابت از چپ به راست به صورت تصادفی از روی کلمات می‌پرد، تنها نگاهی گذرا از بیننده اخذ می‌کند. ممکن است تصور شود در نتیجه‌ی تضادهایی که تصویر متحرک با سکون کلمات چاپی دارد، همه‌ی حرکات ادراکی لازم در برابر تصاویر درخشان و متغیر تلویزیون صورت می‌پذیرد، اما بیشتر بینندگان، حتی در زمان تماشای برنامه‌ی محبوب خود، نگاهشان را از روی صفحه‌ی تلویزیون می‌دزدند، نه تنها برای آنکه اطلاعات دیداری بیشتری از محیط اطراف کسب کنند، بلکه برای آنکه دریافت خود را از حرکاتی که در مقابل چشمان آنها رخ می‌دهد، کمتر کنند. (وازگن سرکیسیان، ۲۸، ۱۳۸۰)

منابع

- ۱- سارو خانی، باقر، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات دیدار، چاپ چهارم ۱۳۸۵
 - ۲- س ۱، موزر/ ج. کالتون، روش تحقیق، ترجمه کاظم ایزدی، تهران، کیهان ۱۳۶۷ ۱۳۷۱
 - ۳- نبوی، بهروز، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، کتابخانه فردین، ۱۳۷۳
 - ۴- کالینگفورد، سدريک، کودکان و تلویزیون، ترجمه وازگن سرکیسیان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، ۱۳۸۰
 - ۵- فرشاد گوهر، ناصر، پژوهش مشارکتی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، پژوهشگاه امور اقتصادی، تهران ۱۳۸۰
- ۶- www.en.wikipedia.org

پاورقی:

- 1- wikipedia
- 2- Abu Reyhan Bironi
- 3- Frank Hamilton
- 4- Edward Evans
- 5- Prichard
- 6- Margaret Mead
- 7- Chicago School
- 8- Robert Park
- 9- Bechtel 1972

